

در امتداد تاریکی

فرار از لانه شیطان

لبخندی شیطانی شکل گرفته بود و ادامه یافت تا جایی که دیگر هیچ حدومرزی در این ارتباط‌های مخفیانه نمی‌شناختم و بدون هیچ ترس و نگرانی در جمع دوستان مبین هم حضور می‌یافتم و به تقلید از دختران غربی با آن‌ها هم‌نشین بودم حتی در مجالس دوستانه و دورهمی‌های مبین و دوستانش شرکت می‌کردم. در این شرایط فقط به این محبت‌های خیابانی‌دل بسته بودم و خودم را یکی از دوستان مبین که جوانی مبدل بود با آن تماس گرفت و در حالی که خود را به شدت نگران نشان می‌داد، گفت: مدتی است با همسرم در دچار اختلافات شدیدی شده ایم و او به خاطر همین اختلافات دست به خودکشی زده است. «پرهام» با گفتن این جملات از من خواست به همسرش کمک کنم و او را از مرگ نجات بدهم! من هم حساس‌ترین نزدیک‌های دوستان مبین داشتم؛ بلافاصله قبول کردم و سر کوجه منتظر پرهام ماندم. چند دقیقه بعد او به دنبال آمد و با یکدیگر به طرف محلی که مدعی بود همسرش خودکشی کرده است حرکت کردیم اما در بین راه او در محله‌ای خلوت با حیلله و ترغیدم را به داخل خانه‌اش کشید که بعد فهمیدم یک سوئیت اجاره‌ای است. وقتی وارد آن لانه شیطانی شدم نگاه‌ان سر مرد غریبه در حالی که چاقویی در دست داشتند به سمت من آمدند و قصد آزارم را داشتند. با ناراحتی و گریه از پرهام پرسیدم که در این باره توضیح بدهد اما او فقط سکوت کرده بود. بالاخره در حالی که در جنگ آن مردان غریبه گرفتار شده بودم و هر کدام مرا از دست می‌کردند با گریه و التماس موفق شدم از دست آن‌ها فرار کنم و به کلاتری پناه ببرم. شایان ذکر است، در پی ادعاهای این دختر جوان و باهماهنگی‌های قضایی، تلاش نیروهای انتظامی با دستور سرهنگ محمدابراهیم‌فره‌ای (رئیس کلاتری آستانه‌پرست) برای شناسایی و دستگیری اعلان آزار و اذیت دختر جوان آغاز شد و ماموران اطلاعات پس از دو روز رصد‌های اطلاعاتی با به کارگیری شیوه‌های تخصصی موفق شدند همه متهمان این پرونده را دستگیر کنند. این متهمان برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

«پر هام! با توسل به حیله و نیرنگ و طرح یک نقش حساب شده، مرد بایک سوئیت اجاره‌ای کشاند که ناگاهانه سر مرد غریبه چاقو به دست سر اعمدند و قصد آزار و اذیت‌ار داشتند که ...

فصل ۱۸ ساله‌ای که مدعی بود با گرچه و التماس از چنگ سه مرد شیطان صفت گریخته است در باره ماجرای «لانه شیطان» به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شهید آستانه پرست مشهد گفت: شش ساله بودم که پدر و مادرم از یکدیگر جدا شدند و من بی‌کس و تنها ماندم در واقع من یک اسباب بازی بودم که هیچ کس در دوست نداشت و توجهی به من نمی‌کرد. پدر و مادر مرا به یکدیگر تحمیل می‌کردند اما در نهایت هیچ کدام از آن‌ها حاضنتم را نپذیرفتند و این گونه سر نوشت من تغییر کرد. بالاخره مادر بزرگ مرا به خانه اش برد تا از سر دسوسوی من نگهداری کند. با وجود این مادر مرا هیچ دوا بر زمین نمی‌آمد و ساعتی را با من نمی‌گذراند. او با من بیشتر روزها و ماه‌ها در کنار مادر بزرگ سپری می‌کردم و تنهایی رنج می‌بردم چرا که مادر بزرگ منی پیرو ناناو بود به زحمت امور شخصی اش را انجام می‌داد. به همین دلیل او هیچ وقت نمی‌توانست خواسته‌ها و نیازهای مرا برآورده کند و من ناگزیر در خلوت و تنهایی خودم فرو می‌رفتم و به آینده سیاه و تاریک خودم می‌اندیشیدم. همواره بغض عجیبی داشتم و بایدن دخترانی که با شادمانی کنار پدر و مادرشان راه می‌رفتند حسادت عمیقی بر اسر و جودم را فریاد می‌گرفت. خیلی دوست داشتم من همانند دیگر دختران کسی را درازاشتم که دست نوازش بر سرم می‌کشید و من از چشمه محبت سیلابی می‌شدم. اما به بیراهه رفتم و محبت را در کوچه و خیابان جست و جو کردم. خلاصه چند ماه قبل زمانی که برای خرید از منزل مادر بزرگ خارج شدم ناگهان گاه‌های عاشقانه «مبین» قلم‌ر اکتان کرد. عاشق لیچند زبایش شدم گویی همه محبت‌ها عالم در چشمان او موج می‌زد به همین دلیل در کنارش قرار گرفتم و این گونه رابطه من و مبین آغاز شد. نمی‌دانستم با این عشق خروارانی در مسیری ترسناک قدم گذاشته‌ام که روزی زندگی و آینده‌ام را به پای می‌کشاند. خلاصه این ارتباط عاشقانه که با

چندین جلسه دادگاه که به ریاست قاضی مجتبیٰ علیزاده (رئیس بنابر به وقت شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی) برگزار شد، این زن ۳۴ ساله به دفاع از خود پرداخت، او در آخرین جلسه دادگاه گفت: به دلیل برخی مشکلاتی که در زندگی داشتم تصمیم به قتل فرزندانم گرفتم. وقتی فرزندانم با قرص های خواب آوری که به آن ها خورانده بودم به خواب رفتند با چاقو به سر ایشان رفتم و ابتدا پسر مرا کشتم اما وقتی چاقو را بالا بردم تا دختر هشت ساله ام را نیز به قتل برسانم، او چشمانش را باز کرد و با التماس از من خواست اور انکشم. اولی من تصمیم خودم را گرفته بودم به همین دلیل زمانی که تیغه چاقو را به سمت تیغه شیشه اش فروداوردم او با دستان کوچکش تیغه چاقو را گرفت که دستش نیز زخمی شد ولی...

بنابراین گزارش، دادگاه پس از بررسی های



عکس‌ها اختصاصی از خراسان

قضایای دقیق و با توجه به تأیید سلامت، روانی متهم توسط پزشکی قانونی، رای به قصاص نفس داد که رای صادر شده به تأیید شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور نیز رسید و این حکم برای اجرا به معاونت اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارسال شد. با فراهم شدن مقدمات، سپیده دم روز گذشته این زن قاتل در زندان مرکزی مشهد پای جوبه دار رفت و به مجازات رسید.

صحنه جنایت را شرح می داد، گفت: ساعت حدود ۲۳ شب بود که کنار پسرم قرار گرفتم و یک لحظه بیدار شدم چشمانش را باز کرد ولی من تصمیم خودم را گرفته بودم به همین دلیل دیگر تامل نکردم اما وقتی قصد کشتن دخترم را داشتم او با دستش تیغه چاقو را گرفت و ولی...

پس از آن هم کولر و تلویزیون منزل را روشن گذاشتم و قرار کردم، متهم این پرونده جنایی در پاسخ به سوال قاضی و به قتل عمد که در آن وقت شب کجا رفتی؟ گفت: به آژانس تلفنی رنگ زنگ زدم و خودرویی را به مقصد شهرهای شمالی کشور اجاره کردم. چند روز را به پایپر مردی که راننده خودرو بود در شهرهای شمال سیری کردم و پس از آن دوباره به مشهد باز گشتم که توسط کارآگاهان، ادا، حنا، دستگیر شدند.

وی ادامه داد: من از نظر مالی مشکلی نداشتم اما نمی دانم چرا دست به این کار زدم و هم اکنون نیز

کابوس های وحشتناک شبانه، هایمن نمی کند!
این زن در پاسخ به سوال دیگر قاضی حسینی که پرسید چرا هنگام دستگیری از یک پیر مرد نام بردی؟ گفت: می خواستم از کتاب قتل را به گردن او بیندازم ولی وقتی متوجه شدم که این قصه باور کردنی نیست حقیقت ماجرا را بیان کردم در حالی که کاملاً هنگام جنایت هوشیار بودم و می دانستم چه می کنم!

به گزارش اختصاصی خراسان، با تکمیل تحقیقات در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، این پرونده جنایی در شعبه پنجم کیفری یک خراسان رضوی مورد رسیدگی قرار گرفت. در

فوت کرده است و دو کودک مذکور که آرش و سیما نام داشتند به همراه مادرشان در طبقه اول این مجتمع مسکونی زندگی می کردند اما از مادر آنان خبری نبود و این احتمال قوت گرفت که کودک کان به دست مادرشان کشته شده اند. با این ظن، اقای سید جواد حسینی، دستور بازرسی دقیق منزل را صادر کرد که ناگهان لباس های خون آلود و نیمه مفتولان نیز به همراهه کار دی بزرگ که هنوز آثار خون روی آن وجود داشت، کشف شد.

این سرخ دیگر محلی را برای تردید باقی نگذاشته بود که پدر بزرگ مفتولان مورد توجه قرار گرفته است. او گفت: «دخترم از زمانی که همسرش جان سپرد در افسردگی شده بود و به صورت خودسرانه داروهای آرام بخش استفاده می کرد... چند روز بعد از آنکه خودکشی را سرانجام داد و کودک خوشحال و سرخساز (مفتولان) که به شمال کشور گریخته بود به تلاش کارا آگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی دستگیر شد و در حضور قاضی حسینی به بازسازی صحنه قتل پرداخت. این زن ۳۴ ساله در تشریح این جنایت بی رحمانه تنها ۸ ساله وقتیکه همسر فوت کرد، به مسئولیت نگراری در سال ۱۳۸۹

فرزند خردسال را به عهده گرفت و آن‌ها را از کلاس کرم. پس ۹ ساله ام‌آر ش نام داشت و در کلاس سوم ابتدایی تحصیلی می‌کرد و سیمادختر هشت ساله ام‌آر نیز کلاس دوم ابتدایی بود. ولی دیگر آن سال، وضعیت «تهایی» خسته شده بود و نمی‌توانست به درستی آن‌ها را در اندام نگهداری کند. البته از قبل برای کشتن آن‌ها نقشه‌ای نداشت و روز حادثه به یک باره این تصمیم را گرفت. در این هنگام قاضی با تاجر به شبیه ۲۱ دادسرای عوامی و انقلاب مشهود از وی پرسید: آیا بیماری خاصی داشتید؟ که منتهی به پاسخ داد: نه! هیچ‌وقت بیماری خاصی نداشت‌م و هر هیچ‌کدام کرم‌های من تا قبل از وقوع جنایت بستر می‌شدند بوم.

زن جوان سپس درباره چگونگی وقوع جنایت ادامه داد: غروب روز حادثه برای لحظه‌ای این فکر به ذهنم رسید که خودم از دست فرزندانم جدا کنم به همین دلیل به هر یک از‌ها چاندن احد قس خواب آور خور اندم که خودم مصرف می‌کردم. وقتی آن‌ها گریه شدند به خواب رفتند و به سر آغشان آمدم. او در حالی که به طور عملی



ریاست قاضی علیزاده

سجادیور زن ۳۸ ساله ای که مرد داسال ۴۰ و دریک جنایت بی رحمانه، دو فرزند خردسال را به طرز فجیعی به قتل رسانده بود، سپیده دم روز گذشته با حضور قضات اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد و دیگر مسئولان ذی ربط در زندان مرکزی به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این جنایت تکان دهنده هشتال مرداد ۱۳۹۴ از آن جا آغاز شد که دو کودک خردسال به طرز فجیعی در یک واحد آپارتمانی واقع در خیابان دکتر شریعتی منطقه قاسم آباد به قتل رسیدند.

با حضور قاضی سید جواد حسینی (قاضی وزیر) قتل عمد در زمان داهنده تحقیقات شبانه در این باره آغاز شد. اجساد پس ۹ ساله و دختری شش و هشت ساله در حالی که پوششی به تن داشتند آثار ضربات متعدد کارد بر پهنه قفسه سینه و گردن و آن را خود نامی می کرد به صورت طاق با کف اتاق خواب افتاده بود و متکایی خونی نیز زیر پسرشان قرار داشت. بریدگی که در کف دست دختر ک نمایان بود نشان می داد که او قصد داشته با گرفتن تیغه کارد مقاومت کند ... دلاویز بود اما در گفت و گو با پرس و جو با سردا کولر تلوینز خانه مرد در روشن بود و با سردا کولر نیز فضای خانه را خنک می کرد. پزشک قانونی که به دستور مقام قضایی در محل وقوع جنایت حضور داشت، پس از انجام معاینات مقدماتی در حالی علت دقیق مرگ را به بررسی های بیشتر موکول کرد که بنا به نظری حدود ۳۶ ساعت از مرگ برادر و خواهر مذکور می گذشت. دادگاه تحقیقات قاضی با توجه به وقت شعبه ۲۲ داسرا ا عمومی و انقلاب مشهد بیانگر آن بود که کپدر مقتولان در سال ۱۳۹۸ و در سن جوانی

فروش ویژه

برای کارمندان عزیز دولت
یک سوم نقد

الباقی طی ۶ فقرہ چک
شعبہ یک سناباد: ۳۸۴۱۶۶۷۶
شعبہ دو میثاق: ۳۵۱۴۲۲۵۷

0/9A-9AA1 1

اهم اقدامات بانک رفاه کارگران
در راستای حمایت از رونق تولید
و ایفای مسئولیت های اجتماعی



- تخصیص بالغ بر ۱۷ میلیارد ریال به ساخت، بازسازی و تجهیز مدارس، خانه بهداشت روستایی و مؤسسات خیریه.
- پرداخت بالغ بر ۲۰۸۲۰۴ ریال در تسهیلات بابت طرح های اعتباری در حوزه سلامت، صنعت، سرمایه گذاری، اشتغالزایی، حمایت از مستمیری بگیران سازمان تأمین اجتماعی و اقبال کرم در آمدن طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ و سه ماه نخست سال ۹۸.
- پرداخت بالغ بر ۲۰۱۹۱ میلیارد ریال تسهیلات از محل منابع بانک به بنگاه های کوچک و متوسط طی سال های ۹۶ و ۹۷ و چهار ماه نخست سال ۹۸.
- پرداخت تعداد ۱۶۰۶۵ فقره تسهیلات قرض الحسنه مشاغل خانگی، اشتغال زایی و کارفرمایان طرح های مددجویی به مبلغ بیش از ۱۸۳۷ میلیارد ریال به معرفی شدگان کمیته امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی سال ۹۷ و چهار ماه نخست سال ۹۸.

 www.refah-bank.ir

 bankrefahkargaran

☎ مرکز فراد: ۸۵۲۵-۰۲۱


بانک دفاع کارگران

روز گذشته در زندان مرکزی مشهد اجرا شد

قاتل آرشیو سیما کوچولو بر دار مجازات